

مصاحبه‌ی اختصاصی با پیمان ویان (ریاست مشترک پژاک)

آرشیو
سال چهاردهم
دوره‌ی چهارم
شماره چهاردهم
شهریور ۱۴۰۵

- زن ژیان آزادی ضربه‌ای جدی به ایدئولوژی حاکمیت وارد کرد
- مسئله کورد باید از طریق راه‌حل سیاسی و دموکراتیک حل شود
- «زن ژیان آزادی» بیانگر یک خط‌مشی و رویکرد اجتماعی و سیاسی است

انقلاب «زن ژیان آزادی»
انقلاب خلق‌ها است



آرشیو

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان / پژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
سال چهاردهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی چهاردهم

شهریور ۱۴۰۵

۱۴

SEPTEMBER 2026



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.



telegram:

[PJAKMEDIACENTER](https://t.me/PJAKMEDIACENTER)

Gmail:

PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM



مصاحبه‌ی اختصاصی با
پیمان ویان
(ریاست مشترک پژاک)

«ژن ژیان آزادی» برای ما تنها یک شعار نیست، بلکه بیانگر یک خط‌مشی و رویکرد اجتماعی و سیاسی است

بحران یک حکومت روبه‌رو
هستیم یا بحرانی عمیق‌تر در
ساختار دولت و جامعه؟

پیمان ویان: به یاد ژینا امینی که به
شیوه‌ای هولناک به دست حاکمیت ایران
به قتل رسید، تمامی شهدای انقلاب «ژن
ژیان آزادی» را گرامی می‌داریم؛ به‌ویژه
اکنون که هر روز یادآور سالگرد یکی
از شهیدان این انقلاب است و در برخی

آلترناتیو: چهار سال از آغاز
انقلاب «ژن ژیان آزادی» گذشته
و ایران همچنان با مجموعه‌ای
از بحران‌های سیاسی، اقتصادی
-اجتماعی روبه‌روست. اگر
بخواهید وضعیت امروز ایران را
در یک تصویر کلی تحلیل
کنید، به نظر شما ایران در
چه مرحله‌ای قرار دارد؟ آیا با

روزها، ده‌ها شهید تقدیم شده‌اند. اما چرا این انقلاب تا این اندازه به درازا کشید و استمرار یافت؟ چرا به یک «انقلاب ریشه‌دار» تبدیل شد؟ پاسخ را باید در فداکاری شهیدان، پیشاهنگی

مستحکم کرد؛ انقلابی در برابر ماهیت دولت‌گرا و استثمارگر نظامی که هر روز بیشتر زندگی انسان‌ها را تحت سلطه خود درمی‌آورد. آن جنایت هولناکی که به دست حکومت رقم خورد، به واسطه رنج و فداکاری شهیدان، به یک انقلاب عظیم تبدیل شد؛ انقلابی که امروز ابعاد ذهنی، اجتماعی و سیاسی پیدا کرده است

زمانی که یک انقلاب به یک پدیده اجتماعی تبدیل می‌شود، دیگر به سادگی از میان نمی‌رود و نمی‌تواند صرفاً مقطعی و کوتاه‌مدت باشد. هنگامی که انقلاب به جامعه تعلق پیدا می‌کند، به جریانی درازمدت تبدیل می‌شود و تا رسیدن به اهداف خود و تحقق خواسته‌هایش به حرکت ادامه می‌دهد. به همین دلیل بود که انقلاب «ژن ژیان آزادی» ماه‌ها استمرار یافت، بستر اجتماعی خود را ساخت، مانیفست خود را شکل داد و فلسفه‌اش را آشکار کرد. به همین دلیل بود که بخش‌های گسترده‌ای از جامعه با نوای این شعار به خروش آمدند. اما آنچه برای ما بیش از هر چیز اهمیت دارد، این است که انقلاب «ژن ژیان آزادی» در برابر رژیم استبدادی ایران چه تأثیری بر جامعه گذاشت؟ نخست

**تابوهای تحمیل شده از سوی
رژیم بر جامعه ایران را
درهم شکست. دوم، دیوارهای
استبدادی و مرزهایی را که
حکومت در برابر جامعه ایجاد
کرده بود، به چالش کشید.
از این رو، ضربه‌ای جدی به
ایدئولوژی و ساختار حاکمیت
وارد کرد**

زنان و جوانان و در آغوش کشیدن خون شهیدان از سوی تمامی پیکر جامعه جست‌وجو کرد

با هر شهید، انقلاب ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. به همین دلیل بود که از یک خیزش معمولی فراتر رفت و به یک «انقلاب» تبدیل شد. این انقلاب ریشه‌های خود را در بطن جامعه

اینکه تابوهای تحمیل شده از سوی رژیم بر جامعه ایران را در هم شکست. دوم، دیوارهای استبدادی و مرزهایی را که حکومت در برابر جامعه ایجاد کرده بود، به چالش کشید. از این رو، ضربه‌ای جدی به ایدئولوژی و ساختار حاکمیت وارد کرد؛ ضربه‌ای به اندیشه‌ای که سال‌ها ملت‌ها را در حصار خود گرفتار کرده بود. شعار «ژن ژیان آزادی» دقیقاً در تقابل با چنین اندیشه‌ای قد علم کرد به همین دلیل است که امروز، با گذشت چهار سال از آن وقایع، بسیاری از نارضایتی‌های اجتماعی و اعتراضات علیه ساختار حاکمیت، همچنان در امتداد مطالبات و گفتمانی قرار دارند که انقلاب «ژن ژیان آزادی» آن را برجسته کرد. این انقلاب حاصل انباشت دستاوردهای مبارزاتی نیم‌قرن گذشته بود که سرانجام سرریز شد و سراسر ایران را درنوردید. از این پس نیز این انقلاب به میراثی مهم تبدیل شده و مطالبات و خواسته‌های خلق‌ها می‌تواند بر بستر آن ادامه پیدا کند. اگر امروز دولت‌های بیرونی نیز جرأت بیشتری برای مداخله در امور ایران پیدا کرده‌اند، یکی از عواملی که در این زمینه مطرح می‌شود، بسترسازی‌های عمیقی است

که اعتراضات و انقلاب «ژن ژیان آزادی» در جامعه ایجاد کرده است. این جنبش، شکاف میان جامعه و ساختار حاکمیت را عمیق‌تر کرد؛ زیرا بخش‌هایی از جامعه این ساختار و مبانی ایدئولوژیک آن را به چالش کشیدند و در برابر آن، گفتمان «ژن ژیان آزادی» را مطرح کردند. زیرا در نگاه این گفتمان، رژیم ایران از طریق کنترل و سرکوب زن، جوانان و جامعه، پایه‌های استبداد خود را مستحکم کرده و ایدئولوژی خود را تحمیل کرده است. حال، در برابر چنین اندیشه‌ای که بر پایه جنسیت‌گرایی، ناسیونالیسم و شوونیسم تعریف می‌شود، فلسفه‌ای متشکل از سه واژه «ژن ژیان آزادی» سر برمی‌آورد

این فلسفه پیوندی میان زن و زندگی و میان زندگی و آزادی برقرار می‌کند. «ژن ژیان آزادی» به مانیفستی تبدیل شده که آرمان‌ها و مطالبات بخش‌های مختلف جامعه، به‌ویژه زنان و جوانان و خلق‌های مختلف، در آن بازتاب پیدا کرده است. به همین دلیل بود که این شعار در مدت کوتاهی سراسر ایران را فراگرفت و بحران عمیقی در ساختار قدرت ایجاد کرد.

بخش مهمی از بحران‌های کنونی ایران، چه در عرصه داخلی و چه

در عرصه خارجی، به سیاست‌هایی بازمی‌گردد که جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته در قبال جامعه و خلق‌های مختلف در پیش گرفته است. ناراضی‌ها افزایش یافته و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی نیز عمیق‌تر شده‌اند. از یک سو، حکومت برای نمایش قدرت خود در خارج، سیاست گسترش نفوذ منطقه‌ای را دنبال کرده و از سوی دیگر، در داخل با سرکوب و ایجاد محدودیت‌های گسترده، به تشدید بحران‌های اجتماعی و اقتصادی دامن زده است. در کنار این وضعیت، کشتار، اعدام و شکنجه نیز به بخش مهمی از واقعیت سرکوب در ایران تبدیل شده است. امروز جامعه‌ای شکل گرفته که سال‌ها در برابر فشارها مقاومت کرده است. جامعه‌ای که تجربه‌های اعتراضی و مبارزاتی متعددی را پشت سر گذاشته و دیگر نمی‌تواند نسبت به این فشارها بی‌تفاوت بماند. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز سیاست‌های جمهوری اسلامی با چالش‌های جدی روبه‌روست و مجموعه این عوامل، بحران‌های موجود در ایران را پیچیده‌تر و عمیق‌تر کرده است

امروز ایران در میان حصار بحران‌ها

و بمباران‌ها گرفتار آمده و در یکی از ضعیف‌ترین موقعیت‌های تاریخی خود قرار دارد. در چنین شرایطی، پاسخ رژیم ادامه سرکوب عریان جامعه است. حکومت در خارج تلاش می‌کند چهره‌ای قدرتمند از خود نشان دهد، اما در داخل با افزایش اعدام‌ها و بازداشت‌ها و نظامی کردن کوردستان و بلوچستان، فشار امنیتی را تشدید می‌کند. این سیاست نه تنها راهی برای حل مشکلات نمی‌گشاید، بلکه بر عمق آن‌ها می‌افزاید. رژیم تلاش می‌کند با گسترش تنش در منطقه، بخشی از مشکلات داخلی را به بیرون فرافکنی کند. اما شکاف میان حاکمیت و جامعه عمیق‌تر از آن شده است که بتوان با فشار و قدرت نظامی آن را پوشاند. از سوی دیگر، ایدئولوژی و قوانین کهنه و انعطاف‌ناپذیر، امکان انطباق حکومت با تحولات جامعه را محدود کرده است. در همین حال، فشار اقتصادی و اجتماعی بر مردم روزبه‌روز بیشتر می‌شود. افزایش خشونت علیه زنان، اعدام و بازداشت، فقر و ناامنی در مناطق مرزی و محرومیت کودکان از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی، تنها بخشی از پیامدهای این وضعیت است. هزینه اصلی این شرایط

آلترناتیو: اگر جمهوری اسلامی در مقطعی با یک گذار یا تضعیف جدی قدرت روبه‌رو شود، یکی از نگرانی‌ها خلا قدرت و درگیری میان نیروهای مختلف است. پژاک برای دوره گذار چه تصویری دارد و چه سازوکاری را برای جلوگیری از خشونت و بی ثباتی پیشنهاد می‌کند؟

پیمان ویان: اکنون ایران و خلق‌هایی که در این جغرافیا زندگی می‌کنند، از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوره‌های تاریخی خود عبور می‌کنند. در چنین شرایطی، رژیم ایران می‌کوشد با فرافکنی بحران‌های داخلی، دامنه جنگ و تنش را در منطقه گسترش دهد. هم‌زمان، رقابتی گسترده میان هژمونی‌ها و نیروهای مداخله‌گر در جریان است که هر یک تلاش می‌کنند جایگاه و حاکمیت خود را تثبیت کنند؛ رقابتی که ابعاد ویرانگر آن روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. این وضعیت را می‌توان در چارچوب مفهوم «جنگ جهانی سوم» نیز بررسی کرد؛ جنگی که دیگر به مرزهای ایران محدود نیست، بلکه در سراسر خاورمیانه گسترش یافته

را مردم، زنان و کارگران می‌پردازند. اما این فشارها می‌توانند به نقطه‌ای برسند که دیگر قابل مهار نباشند. جامعه‌ای که سال‌ها در برابر سرکوب و فشار مقاومت کرده، ظرفیت خیزش‌های گسترده‌تری را در خود انباشته است. حل این مسائل نیز تنها با حضور و نقش خود مردم و

در ایران آینده، آزادی زنان، به‌عنوان یکی از محورهای اساسی انقلاب «ژن ژیان آزادی»، باید در ساختار سیاسی و اجتماعی جدید جایگاهی بنیادین داشته باشد

خلق‌ها ممکن خواهد بود. حاکمیت می‌داند که یکی از مهم‌ترین نقاط ضعفش، فاصله عمیق با جامعه است؛ به همین دلیل می‌کوشد هزینه شکست‌ها و ناکامی‌های خود را با تشدید سرکوب و تنش‌های منطقه‌ای جبران کند. اما ادامه این مسیر، به جای حل مشکلات، می‌تواند شکاف موجود میان جامعه و حاکمیت را عمیق‌تر کند.

و قدرت‌های جهانی و نیروهای منطقه‌ای را درگیر کرده است. در این کارزار، هر طرف تلاش می‌کند خود را پیروز میدان نشان دهد. رژیم ایران مدعی پیروزی است و نیروهای متخاصم نیز روایت مشابهی ارائه می‌کنند، اما واقعیت این است که تاکنون هیچ‌یک نتوانسته‌اند به پیروزی تعیین‌کننده‌ای دست یابند. چه حکومت ایران بماند و چه نماند، این رژیم در شکل‌گیری بخش مهمی از وضعیت بحرانی امروز نقش داشته است. بنابراین، مسئله اساسی این است که در میان رقابت قدرت‌ها و تلاش آن‌ها برای بازتعریف موازنه بر اساس منافع خود، جایگاه و اراده جامعه نادیده گرفته نشود. ایران سرزمینی متکثر از نظر ملی، فرهنگی و اجتماعی است و آینده آن نباید توسط احزاب و ساختارهای قدرت از پیش تعیین‌شود. خلق‌های ایران باید خود درباره آینده و شکل زندگی سیاسی و اجتماعی‌شان تصمیم بگیرند.

در ایران آینده، آزادی زنان، به‌عنوان یکی از محورهای اساسی انقلاب «ژن ژیان آزادی»، باید در ساختار سیاسی و اجتماعی جدید جایگاهی بنیادین داشته باشد. هر خلق نیز باید بتواند با هویت، فرهنگ، رنگ و اراده مستقل خود در این روند مشارکت کند. ما نیز به‌عنوان «پژاک» در راستای همین آرمان مبارزه می‌کنیم و برای ما اهمیت دارد که جایگاه کوردها و دیگر خلق‌های ایران در آینده این کشور به رسمیت شناخته و تضمین شود.

یکی از مهم‌ترین وظایف در این

ما نیفست «ژن ژیان آزادی»، نیرومندترین و ریشه‌ای‌ترین آلترناتیو برای ساختن یک ایران نوین است؛ زیرا حقوق تمامی خلق‌ها، ملیت‌ها، باورها و جوامع را در درون خود جای داده است

شرایط، جلوگیری از تبدیل مردم به قربانیان اصلی جنگ است. در حالی که رقابت و درگیری میان دولت‌ها و

از این منظر، اصل اساسی برای ما این است که خلق‌های ایران تعیین‌کننده سرنوشت خویش باشند و سیاستی دموکراتیک شکل بگیرد که اراده آزاد و متنوع جامعه را نمایندگی کند.

قدرت‌ها جریان دارد، میان توده‌های مردم و خلق‌ها تضاد ذاتی و ناگزیر وجود ندارد. بسیاری از شکاف‌ها و تنش‌ها نتیجه سیاست‌هایی هستند که با دامن‌زدن به اختلافات، جامعه را از یکدیگر جدا می‌کنند. رژیم ایران نیز در طول سال‌ها کوشیده است از این تناقضات برای تعمیق شکاف میان خلق‌ها استفاده کند. از این رو، تحکیم اتحاد دموکراتیک خلق‌ها در ایران اهمیت اساسی دارد. این اتحاد می‌تواند مانع از آن شود که جامعه به قربانی بازی‌های قدرت و جنگ‌های فرساینده تبدیل شود و زمینه را برای تعیین آینده بر اساس واقعیت اجتماعی و حقوق بنیادین مردم فراهم کند

امروز، در شرایط جنگ و بحران و در فضایی که اقتدار حاکمیت با چالش‌های جدی روبه‌روست، جامعه و خلق‌ها باید توان و ظرفیت‌های خود را سازمان‌دهی کنند و نقش مستقلی در تعیین آینده داشته باشند. هر خلق باید بر پایه واقعیت مبارزاتی، اجتماعی و سیاسی خود، خط‌مشی خویش را ترسیم کند و در شکل‌دادن به آینده ایران مشارکت داشته باشد

آلترناتیو: بسیاری از نیروهای مخالف درباره آنچه نمی‌خواهند اشتراک نظری بیشتری دارند تا درباره آنچه باید جایگزین شود. از دید پژاک ایران پس از جمهوری اسلامی دقیقاً چگونه باید اداره شود؟ مرحله انتقالی، تدوین قانون اساسی و توزیع قدرت را چگونه تصور می‌کنید؟

پیمان ویان: نگاهی به روند مبارزاتی و استمرار خیزش‌های مرتبط با انقلاب «ژن ژیان آزادی» در گستره جغرافیای سیاسی ایران نشان می‌دهد که جامعه همواره در خط مقدم مقاومت بوده، از پتانسیل انقلابی عمیقی برخوردار است و پویایی خود را حفظ کرده است. با این وجود، یکی از کاستی‌های بارز این بوده است که خط‌مشی سیاسی مستقل به‌روشنی تبیین نشده است؛ چه بسا نیروهای مداخله‌گر بیرونی یا جریان‌های درون‌سیستمی بارها تلاش کرده‌اند تا سیاست و مدل دلخواه خود را به جامعه تحمیل کنند

امروز، فرآیند انقلاب «ژن ژیان آزادی» برای ما نقطه‌عطفی حیاتی محسوب می‌شود؛ چرا که این انقلاب، آلترناتیو بنیادین خود را آشکار ساخته، مطالبات

جامعه را عیان نموده و مدل مطلوب برای ساختار نوین ایران را ترسیم کرده است. خلق‌ها و زنان با اراده‌ی خویش نشان دادند که چه می‌خواهند؛ به همین دلیل است که ما امروز بر شالوده‌ی فلسفه‌ی انقلاب «ژن ژیان آزادی» گام برمی‌داریم. مانیفست «ژن ژیان آزادی»، نیرومندترین و

که این فلسفه را در بطن جامعه بیش از پیش زنده و پویا نگاه داریم. طرح این مسئله از آن روست که جریان‌هایی با ذهنیت اقتدارگرا، مردسالار و شوونیست-ملی‌گرا وجود دارند که به هیچ وجه بر نمی‌تابند چنین نگرشی به گفتمان مسلط جامعه بدل شود. بنابراین، ضرورت عینی دارد که برای گذار به ایران نوین، همگان فلسفه‌ی «ژن ژیان آزادی» را به عنوان خط‌مشی اساسی خود مبنا قرار دهند

مقصود ما این است که امروز توده‌ها و خلق‌ها به‌خوبی می‌دانند چه می‌خواهند. درست است که جریان‌های گوناگون دیدگاه‌های متفاوتی ابراز می‌کنند و سالیان دراز است که بر این جغرافیا سایه افکنده و از رنج‌های واقعی جامعه دور بوده‌اند، اما خلق‌های ایران دقیقاً مطالبات خود را می‌شناسند. ایران نوین لزوماً باید ساختاری کاملاً دموکراتیک به خود بگیرد. هنگامی که از «جمهوری دموکراتیک» سخن می‌گوییم، مقصودمان جامعه‌ای کثرت‌گراست که در آن خلق‌های گوناگون -و در رأس آن‌ها خلق کورد- حضور دارند از دیدگاه ما، هر خلق در ایران دموکراتیک باید از سیستم «خودمدیریتی»

سیستم دموکراتیک، تمامی خلق‌ها با اتکا به خودمدیریتی خویش، به بیان مطالبات و اعمال اراده می‌پردازند. این امر به معنای تجزیه و گسست خلق‌ها از یکدیگر نیست؛ بلکه هر قدر خودمدیریتی خلق‌ها قوی‌تر باشد، نقاط اشتراک میان آن‌ها نیز استحکام بیشتری می‌یابد.

ریشه‌ای‌ترین آلترناتیو برای ساختن یک ایران نوین است؛ زیرا حقوق تمامی خلق‌ها، ملیت‌ها، باورها و جوامع را در درون خود جای داده است از این رو، وظیفه‌ی مبرم ما این است

برخوردار باشد. این امر هرگونه که محقق شود، نیازمند تحولات ریشه‌ای در ساختار ایران است؛ تحولاتی که چه از طریق مبارزه‌ی دموکراتیک و چه در بستر تحولات ژرف محقق شود، اجتناب‌ناپذیر است. این تغییرات بنیادین برای ایران یک ضرورت قطعی است و هر خلق باید خود را بر اساس این واقعیت سازماندهی کند. هر خلق باید با هویت اصیل خود در این روند حضور یابد و امور خود را اداره کند

هنگامی که از «خودمدیریتی» سخن می‌گوییم، منظور ما ظهور «جامعه‌ی دموکراتیک» است. جامعه‌ی دموکراتیک، هویت، اراده و سبک زندگی خود را آزادانه تعیین می‌کند. در این ساختار، هیچ نیروی بیرونی حق ندارد بر جامعه حاکم شود؛ بلکه جامعه خود، خود را اداره می‌کند. به همین دلیل است که هر خلق نیازمند خودمدیریتی ویژه به خود است؛ به عنوان مثال، در کوردستان ضروری است که خلق‌مان بر اساس سیستم خودمدیریتی، حیات جمعی خویش را اداره کند. اراده‌ای که سالیان دراز زیر یوغ سیستم استبدادی و متمرکز ایران بوده است، امروز باید رها شود

خلق بلوچ باید از خودمدیریتی، هویت، هستی، فرهنگ و اراده‌ی مستقل خود برخوردار باشد. خلق‌های عرب، فارس، ترک‌های آذری و حتی خلق تالش و دیگر جوامع چندملیتی این جغرافیا، همگی باید بر اساس اراده‌ی آزاد خود، امور خویش را اداره کنند. پیام ما برای ایران نوین همین است: در جغرافیایی که خلق‌ها و باورهای گوناگون در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، به رسمیت شناختن زبان، هویت و فرهنگ به عنوان ارکان اصلی هستی هر خلق، شرطی بنیادین است. زبان، هویت و فرهنگ، ضامن حیات هر جامعه‌ای هستند و باید در ایران نوین به ارکان اصلی ساختار سیاسی تبدیل شوند

پرسش این است که پیوند میان این خلق‌ها در یک جغرافیای مشترک چگونه شکل خواهد گرفت و سیستم توزیع قدرت چگونه خواهد بود؟ پاسخ در ایجاد یک «سیستم دموکراتیک» نهفته است. در درون چارچوب سیستم دموکراتیک، تمامی خلق‌ها با اتکا به خودمدیریتی خویش، به بیان مطالبات و اعمال اراده می‌پردازند. این امر به معنای تجزیه و گسست خلق‌ها از یکدیگر نیست؛ بلکه هر قدر خودمدیریتی

کولبری، محیط زیست، اعتیاد و نابرابری‌های اقتصادی نیز مطرح اند. اگر فردا پژاک امکان مشارکت در اداره روژهلات داشته باشد، سه اقدام نخست و ملموس شما برای زندگی مردم چه خواهد بود؟

پیمان ویان: در حال حاضر، مسئله اساسی خلق‌ها در ایران، پیش از هر چیز، یک «مسئله هویت‌محور و سیاسی» است. اگر به ساختار مرکزی و سیستماتیک رژیم ایران نگاه کنیم، می‌بینیم که این سیستم هویت هیچ‌یک از خلق‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. جغرافیا و امکانات در انحصار یک ساختار متمرکز قرار گرفته و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی نیز در پیوند با همین الگوی استبدادی عمیق‌تر شده‌اند. رژیم بارها با طرح اتهاماتی مانند «تجزیه‌طلبی» تلاش کرده است خلق کورد و دیگر خلق‌ها را هدف قرار دهد، در حالی که از نگاه ما، مسئله اصلی، حق برخورداری از هویت، موجودیت و اراده سیاسی است. به همین دلیل، مسائلی مانند بیکاری گسترده، سرکوب، ترور و میلیتاریزاسیون در کوردستان را نمی‌توان صرفاً مشکلات اقتصادی یا اجتماعی دانست؛ این‌ها

خلق‌ها قوی‌تر باشد، نقاط اشتراک میان آن‌ها نیز استحکام بیشتری می‌یابد. بر این اساس است که بنیان‌گذاری «جمهوری دموکراتیک» در آینده امکان‌پذیر می‌گردد. مبارزه‌ی ما نیز دقیقاً در همین راستا جریان دارد؛ اینکه چگونه هویت «کورد آزاد» در درون یک «ایران دموکراتیک» جایگاه خود را تثبیت کند. امروز دیگر هویت و حقیقت کورد آزاد انکارناپذیر است؛ خلق کورد با زبان، فرهنگ، هویت و اراده‌ی خود، سیستمش را خود مدیریت می‌کند.

دیگر هیچ نیرویی قادر نیست وجود کورد آزاد را در ایران انکار کند. کورد آزاد امروز به سطحی از آگاهی رسیده است که می‌تواند حتی در ابعاد خاورمیانه‌ای نیز رسالت دموکراتیک خود را ایفا کند، چرا که خلق کورد پیشاهنگ راستین این تحولات است. ایران نوین صرفاً بر همین شالوده و بنیان است که می‌تواند شکل بگیرد و پابرجا بماند.

آلترناتیو: امروز مسائل روژهلات فقط هویتی و سیاسی نیست؛ بیکاری، مهاجرت،

ریشه‌ای سیاسی دارند

یکی از پیامدهای این سیاست، بازتولید فقر و محرومیت است. چرا کولبران در مرزها کشته می‌شوند؟ چرا مردم مناطق مرزی و محروم در چرخه فقر گرفتار می‌مانند؟ از نگاه ما، فقر تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند به ابزاری

ساختار حقوقی و سیاسی کنونی، حقوق مشخص و مؤثری برای خلق‌ها تعریف نشده و ساختار متمرکز، امکان بیان و اعمال اراده سیاسی آنان را محدود کرده است. امروز نیز مسئله بر سر به رسمیت شناخته شدن همین اراده سیاسی است؛ یعنی هر خلق بتواند درباره شیوه اداره امور خود و آینده سیاسی و اجتماعی‌اش نقش تعیین‌کننده داشته باشد. از همین منظر، بسیاری از کسانی که با اتهاماتی مانند «اقدام علیه امنیت» یا «محرابه» زندانی شده‌اند، از نگاه ما زندانیان سیاسی‌اند؛ زیرا به دلیل مطالبات هویتی، زبانی، فرهنگی و اجتماعی خود با برخورد امنیتی مواجه شده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که مطالبات سیاسی و هویتی جامعه چگونه به موضوع سرکوب تبدیل شده است. نتیجه این سیاست‌ها، تشدید بحران‌های اجتماعی است؛ از بیکاری و فقر گرفته تا خشونت

و ناامنی. با این حال، جامعه در برابر این فشارها تسلیم نشده و همواره اشکال مختلفی از مقاومت را نشان داده است. قتل حکومتی ژینا امینی نیز از همین منظر یک رخداد سیاسی بود. ژینا دختری کورد بود و مرگ او به نقطه‌ای تبدیل شد که اعتراض در کوردستان را

فقر تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند به ابزاری برای وابسته و بی‌قدرت نگه‌داشتن جامعه تبدیل شود. انسانی که از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم است، در برابر ساختار قدرت آسیب‌پذیرتر خواهد بود

برای وابسته و بی‌قدرت نگه‌داشتن جامعه تبدیل شود. انسانی که از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم است، در برابر ساختار قدرت آسیب‌پذیرتر خواهد بود. بنابراین، بخش مهمی از مبارزه ما بر صیانت از حقوق سیاسی، هویت و موجودیت خلق‌ها استوار است. در

به جنبشی گسترده‌تر پیوند زد. انقلاب «ژن ژیان آزادی» نشان داد که مسئله زنان، هویت، آزادی و دموکراسی تا چه اندازه به یکدیگر پیوند خورده‌اند. وقتی از فردای ایران و ضرورت دموکراتیزاسیون آن سخن می‌گوییم، یکی از نخستین اصول باید تضمین حقوق بنیادین زنان باشد. جامعه‌ای که خواهان آزادی است، نمی‌تواند آزادی زن را به حاشیه ببرد. حق حیات، هویت، استقلال، آزادی و مشارکت اجتماعی زنان باید در مرکز ساختار دموکراتیک قرار گیرد. در کنار آن، آزادی اجتماعی به معنای آن است که جامعه بتواند اراده خود را در اداره امورش اعمال کند؛ از شکل‌دهی به اقتصاد بر اساس منافع جمعی گرفته تا تجربه اشکال مختلف زندگی کمونال و دفاع از ارزش‌های اکولوژیک. امروز طبیعت و محیط زیست نیز با تهدیدهای جدی روبه‌روست و جامعه باید حق حفاظت از زیست‌بوم خود را داشته باشد. برای تحقق چنین جامعه‌ای، به قوانین دموکراتیکی نیاز است که حقوق زنان، خلق‌ها و باورهای گوناگون را به‌روشنی تضمین کنند. ساختار ایران آینده باید بر چنین مبنایی شکل بگیرد. روند‌گذار و شکل سیاسی آینده را

جامعه تعیین خواهد کرد؛ اما اصول اساسی باید روشن باشند: آزادی زن، آزادی جامعه، به رسمیت شناختن تنوع خلق‌ها و صیانت از حقوق بنیادین مردم

آلترناتیو: یکی از پرسش‌های منتقدان پژاک جایگاه مبارزه مسلحانه است. دقیقاً چه شرایط سیاسی و حقوقی باید ایجاد شود تا سلاح دیگر در استراتژی پژاک جایگاهی نداشته باشد؟

پیمان ویان: بیش از دو دهه است که پژاک به مبارزه ادامه می‌دهد. پژاک یک جنبش سیاسی و اجتماعی است که استراتژی اساسی آن بر «آزادی جامعه و هویت جمعی» استوار است. برای تحقق این هدف، هزینه‌های سنگینی پرداخته‌ایم و این مسیر را ادامه داده‌ایم. از نگاه ما، سلاح استراتژی نیست، بلکه ابزاری تاکتیکی برای صیانت از خود در شرایط جنگی است. امروز در خاورمیانه جنگ و درگیری گسترده‌ای جریان دارد و به باور ما، خلق‌های ساکن شرق کوردستان نیز در معرض تهدید و حمله قرار دارند. بنابراین، هدف اصلی همواره آزادی خلق و ایجاد جامعه‌ای آزاد بوده و سلاح صرفاً در چارچوب صیانت از خود

تعریف می‌شود. تا زمانی که جنگ و حملات ادامه داشته باشد، جامعه حق دارد از خود محافظت کند؛ چه از طریق مقاومت سیاسی و اجتماعی و چه، در شرایطی که آن را ضروری بدانند، از

ما خود را با واقعیتی به نام جنگ روبه‌رو می‌دانیم و معتقدیم جامعه‌ای که هدف حمله قرار می‌گیرد، باید بتواند از خود محافظت کند. در عین حال، فعالیت سیاسی و اجتماعی همچنان بخش اصلی این رویکرد است

طریق مقاومت مسلحانه. این مسئله به معنای تبدیل سلاح به یک استراتژی دائمی نیست، بلکه به شرایط مشخص جنگی و تهدید علیه جامعه مرتبط است. ما خود را با واقعیتی به نام جنگ روبه‌رو می‌دانیم و معتقدیم جامعه‌ای که هدف حمله قرار می‌گیرد، باید بتواند از خود محافظت کند. در عین حال، فعالیت سیاسی و اجتماعی همچنان بخش اصلی این رویکرد است. اگر شرایطی فراهم

شود که جامعه بتواند آزادانه خود را سازمان دهد، سیاست دموکراتیک تحقق یابد و امنیت و حقوق خلق‌ها تضمین شود، طبیعتاً مسئله سلاح نیز می‌تواند در شرایطی متفاوت مورد بازنگری قرار گیرد. بر همین اساس، پژاک «دفاع مشروع» را حقی مرتبط با شرایط حمله و تهدید علیه جامعه می‌داند، نه یک استراتژی دائمی. مسئولیت این جریان در قبال جامعه و حقوق خلق، از نگاه خودش، در درجه نخست از مسیر مبارزه سیاسی و اجتماعی دنبال می‌شود

آلترناتیو: شما یک زن و ریاست مشترک پژاک هستید. اگر مشارکت زنان در پژاک را نه با تعداد زنان، بلکه با قدرت واقعی تصمیم‌گیری بسنجیم، زنان دقیقاً در کدام سطوح قدرت مستقل دارند؟

پیمان ویان: هم‌اکنون که از فلسفه‌ی «ژن ژیان آزادی» سخن می‌گوییم، در حقیقت به بنیان‌فکری و فلسفی‌ای اشاره داریم که پژاک مبارزات خود را بر اساس آن پیش می‌برد. این فلسفه صرفاً در حد تئوری باقی نمانده، بلکه طی ۲۱ سال در عرصه عمل نیز دنبال شده است. پشاهنگی زنان در

ساختار پژاک امروز به وضوح دیده می شود؛ حضور آنان در بالاترین سطوح تصمیم گیری، از جمله ساختار «ریاست مشترک»، و در عرصه های سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک، از دستاوردهای این روند است. این رویکرد ریشه در تفکر و فلسفه رهبر آپو دارد که بر نقش محوری زن در جامعه تأکید می کند. بر

حضور فیزیکی زن به تنهایی به معنای برخورداری از اراده و نمایندگی واقعی نیست؛ زمانی می توان از حضور واقعی زنان سخن گفت که آنان بتوانند مستقل از ساختارهای مردسالار، دیدگاه و تصمیم خود را بیان و در تعیین سرنوشت جامعه نقش ایفا کنند

برابری حقوق زن و مرد یک اصل اساسی است و پیشاهنگی زنان به معنای فراهم کردن امکان حضور و نقش آفرینی فعال آنان در تمامی عرصه ها است. این رویکرد باید در جامعه نیز تحقق پیدا کند. حضور فیزیکی زن به تنهایی به معنای برخورداری از اراده و نمایندگی واقعی نیست؛ زمانی می توان از حضور واقعی زنان سخن گفت که آنان بتوانند مستقل از ساختارهای مردسالار، دیدگاه و تصمیم خود را بیان و در تعیین سرنوشت جامعه نقش ایفا کنند. از این منظر، «ریاست مشترک» تنها یک جایگاه تشکیلاتی نیست، بلکه بیانگر مشارکت برابر و مسئولیت مشترک است

حضور زنان در سطوح کلان تصمیم گیری، به ویژه در شرایطی که از این عرصه ها کنار گذاشته شده اند، برای ما یک دستاورد مهم محسوب می شود. در پرتو این فلسفه، تلاش شده است حق مشارکت زنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی و دفاعی به رسمیت شناخته شود و این حضور از سطح نمادین فراتر رود. این دستاورد یک شبه به وجود نیامده، بلکه حاصل سال ها مبارزه و تغییر ذهنیت بوده است. هدف نیز صرفاً ایجاد یک ساختار درون تشکیلاتی

همین اساس، زنان در شرق کوردستان در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و دفاعی حضور دارند. در ساختار پژاک نیز تصمیم گیری صرفاً بر اساس تعداد و کمیت نیست، بلکه بر پایه اراده و هستی افراد و جامعه شکل می گیرد. بنابراین،

نیست؛ بلکه شکل دادن به فرهنگی است که برابری، آزادی و اراده مستقل زنان را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی پذیرد. هنگامی که از جامعه دموکراتیک سخن می‌گوییم، نمی‌توان آزادی و هستی زن را از آن جدا کرد. نمایندگی برابر زن و مرد و حضور مؤثر زنان در تصمیم‌گیری، از پایه‌های چنین جامعه‌ای است؛ جامعه‌ای که در آن ذهنیت انحصاری و مردسالار جای خود را به مشارکت و تصمیم‌گیری مشترک می‌دهد

در آینده، جامعه ما باید بر پایه اراده زنان و مردان آزاد و با رویکردی دموکراتیک و صلح‌طلبانه شکل بگیرد. آنچه می‌خواهیم به عنوان یک فرهنگ ایجاد کنیم، ذهنیتی است که افراد آن را آگاهانه بپذیرند، برای تحقق آن آموزش ببینند و در زندگی اجتماعی خود به کار بگیرند. از این منظر، اگر پژاک برای بخشی از جامعه شرق کوردستان و ایران، به‌ویژه زنان، حامل یک الگوی امیدبخش تلقی می‌شود، دلیل آن را باید در تجربه و ساختاری دانست که تلاش کرده این اصول را در عمل پیاده کند. هدف آن است که این تجربه از سطح تشکیلات فراتر رود و به الگویی برای

جامعه کورد و دیگر خلق‌های ساکن ایران تبدیل شود؛ الگویی که در آن ذهنیت تک‌گرا و مردسالار جایگاهی در ساختار سیاسی و اجتماعی آینده نداشته باشد

آلترناتیو: چهارسال "ژن ژیان آزادی" نشان داد زنان و جوانان بدون عضویت در احزاب نیز می‌توانند سازمان‌یابی و کنش سیاسی کنند. آیا نسل جدید باید خودش را با سازمان‌هایی مانند پژاک تطبیق دهد یا این سازمان‌های سیاسی هستند که باید خود را با نسل جدید تغییر دهند؟

پیمان ویان: انقلاب «ژن ژیان آزادی» به‌روشنی نشان داد که با اتکا به قدرت زنان و جوانان و با سازمان‌یافتگی جامعه می‌توان تحولات بزرگی ایجاد کرد. این انقلاب توان و پتانسیل جامعه را به نمایش گذاشت و نشان داد که وقتی توده‌های مردم به‌صورت سازمان‌یافته به میدان می‌آیند، می‌توانند معادلات سیاسی و اجتماعی را تغییر دهند. یکی از دلایل هراس حاکمیت از این انقلاب نیز همین واقعیت است؛ چرا که «ژن ژیان آزادی» روحیه مقاومت و آزادی‌خواهی را در

نیست، بلکه بیانگر یک خط‌مشی و رویکرد اجتماعی و سیاسی است. انقلاب «ژن ژیان آزادی» در عین حال نشان داد که جامعه حتی بدون تکیه کامل بر ساختارهای سنتی حزب‌گرایی نیز توان سازمان‌یابی و مبارزه دارد. اما این تجربه، کاستی‌هایی را نیز آشکار

جامعه تقویت کرد. این روحیه همچنان در جامعه زنده است و به همین دلیل تلاش‌هایی برای مخدوش کردن محتوا و معنای این انقلاب صورت می‌گیرد. جامعه قدرت خود را در این روند تجربه کرده و همین تجربه، ظرفیت‌های تازه‌ای برای ادامه مبارزه ایجاد کرده است

امروز، پس از چهار سال، این پتانسیل در بطن جامعه بیش از گذشته آشکار شده است. این مسئله را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک حزب یا سازمان توضیح داد؛ خود جامعه در این روند نقش‌آفرینی کرده و خشم و مطالبات توده‌ها به میدان آمده است. به همین دلیل نیز جامعه خود را در قالب‌های خشک حزبی محدود نمی‌کند. جامعه ایران و شرق کوردستان امروز از سطح بالایی از آگاهی برخوردار است و می‌تواند جریان‌ها، دیدگاه‌ها و خط‌مشی‌های مختلف را بشناسد و درباره آن‌ها تصمیم بگیرد. اگر امروز بخشی از جامعه از پژاک حمایت یا آن را انتخاب می‌کند، از نگاه ما این امر صرفاً بر اساس عنوان حزبی نیست، بلکه به فلسفه، تفکر، مانیفست و خط‌مشی‌ای مربوط است که پژاک نمایندگی می‌کند. از این منظر، «ژن ژیان آزادی» برای ما تنها یک شعار

**هرچه جامعه منسجم‌تر،
همه‌نگ‌تر و متکی بر اراده
جمعی باشد، ظرفیت بیشتری
برای حفاظت از دستاوردهای
خود خواهد داشت**

کرد؛ از جمله ضعف جامعه در زمینه خوددفاعی. بنابراین، یکی از درس‌های این روند آن است که جامعه باید ظرفیت‌های خود را برای صیانت از خویش در عرصه‌های مختلف، از اجتماعی و فرهنگی گرفته تا امنیتی و فیزیکی، تقویت کند. سازمان‌یافتگی، در این زمینه اهمیت اساسی دارد. هرچه جامعه منسجم‌تر، همه‌نگ‌تر و متکی بر اراده جمعی باشد، ظرفیت بیشتری برای حفاظت از دستاوردهای خود خواهد داشت. خوددفاعی نیز صرفاً به

معنای حضور افراد مسلح نیست؛ بلکه در معنای گسترده‌تر، به توانایی جامعه برای سازمان‌یافتن، مقاومت، حفاظت از خود و دفاع از حقوق و دستاوردهایش اشاره دارد

ما باید خود را برای روزی آماده کنیم که جامعه بتواند اراده جمعی خود را به شکلی گسترده و هماهنگ به میدان بیاورد. هنگامی که هزاران و میلیون‌ها انسان در یک شهر یا در سراسر جامعه با صدایی واحد مطالبات خود را بیان کنند، قدرت اجتماعی عظیمی شکل می‌گیرد که فراتر از چارچوب‌های محدود حزبی است. در این روند، خلق خود نقش پشاهنگ را بر عهده دارد و ما نیز به عنوان پژاک، خود را در قبال این جامعه مسئول می‌دانیم و نیروی خود را از آن می‌گیریم. از این منظر، انقلاب «ژن ژیان آزادی» را باید انقلاب خلق دانست؛ انقلابی که نیروی اصلی آن از خود جامعه سرچشمه می‌گیرد. جامعه‌ای که بتواند اراده و توان سازمان‌یافته خود را به میدان بیاورد، ظرفیت بیشتری برای صیانت از حقوق و دستاوردهایش خواهد داشت. بنابراین، مسئله فقط دستیابی به یک دستاورد سیاسی نیست؛ بلکه حفظ و تضمین آن نیز به توان سازمان‌یافتگی

و اراده جمعی جامعه وابسته است. وقتی می‌گوییم انقلاب «ژن ژیان آزادی» قدرت جامعه را اثبات کرد، در عین حال باید بپذیریم که کاستی‌های موجود را نیز آشکار ساخت. تجربه این انقلاب نشان داد که جامعه از ظرفیت بزرگی برای تغییر برخوردار است، اما برای تحقق و حفظ این ظرفیت، لازم است بیش از گذشته آگاه، منسجم و سازمان‌یافته باشد

آلترناتیو: تحولات و پیامهای اخیر رهبر عبدالله اوجالان بار دیگر بحث گذار از منازعه مسلحانه به سیاست دموکراتیک را در جنبش کورد مطرح کرده است. همچنین گفته پژاک در برابر اعداها و کشتارها در برابر ایران حق دفاع مشروع را دارد. این روند برای پژاک و ایران چه معنایی دارد؟ آیا پژاک نیز وارد مرحله تازه‌ای از فعالیت خود خواهد شد؟ اگر چنین است، مردم روژها‌لات و ایران باید در سال‌های پیش‌رو انتظار چه تغییر مشخصی در استراتژی پژاک داشته باشند؟

پیمان ویان: در کوردستان، با

ظهور رهبر عبدالله او جالان و جنبش آپویی، دوره‌ای جدید در مبارزه کوردها آغاز شد. در طول حدود پنج دهه، این مبارزه به تثبیت وجود و هویت کوردها انجامیده است؛ به گونه‌ای که امروز دیگر نمی‌توان وجود کورد و مسئله کورد را انکار کرد. مسئله اصلی اکنون این است که این وجود و هویت، از طریق سیاسی و حقوقی به حقوق و آزادی‌های تضمین شده تبدیل شود. به بیان دیگر، وجود کورد اثبات شده، اما آزادی او هنوز تضمین نشده است. از همین منظر، رهبر آپو بر حل مسئله کورد از طریق سیاست دموکراتیک و راه‌های حقوقی تأکید می‌کند؛ یعنی دستاوردهای به دست آمده حفظ شود، حقوق کوردها به رسمیت شناخته شود و اراده سیاسی آنان امکان تحقق پیدا کند. در این رویکرد، سلاح استراتژی اصلی نیست، بلکه در شرایط مشخص به عنوان ابزاری برای دفاع از خود مطرح می‌شود. هدف اصلی، حل مسائل از طریق سیاست، مذاکره و سازوکارهای حقوقی است

امروز نیز این مبارزه در سراسر کوردستان ادامه دارد تا مسئله کورد از مسیر سیاسی و دموکراتیک حل

شود. دیگر نمی‌توان گفت مسئله‌ای به نام مسئله کورد وجود ندارد؛ زیرا مسئله هویت، زبان، فرهنگ و حقوق سیاسی کوردها یک واقعیت اجتماعی و سیاسی است. آنچه در باکور کوردستان جریان دارد نیز در همین چارچوب قابل فهم است. در مورد شرق کوردستان نیز وضعیت از همین منظر اهمیت دارد. از نگاه ما، ایران با بحران‌های عمیقی روبه‌روست، اما هم‌زمان فشار و سرکوب گسترده‌ای علیه جامعه و خلق‌های مختلف اعمال می‌شود. اعدام، زندان، برخورد امنیتی با اعتراضات و فشار بر مطالبات هویتی و سیاسی، بخشی از این وضعیت است. هرگاه مردم یا نیروهای کورد مطالبات خود را مطرح می‌کنند، گاه با اتهام‌هایی مانند وابستگی به قدرت‌های خارجی یا همکاری با احزاب کوردی مواجه می‌شوند. از نگاه ما، چنین اتهام‌هایی نمی‌تواند اصل مطالبات سیاسی، فرهنگی و هویتی جامعه را از میان ببرد

رهبر آپو خود را در قبال جامعه کورد، به ویژه خلق شرق کردستان، مسئول می‌داند و بر ضرورت حل مسئله از راه سیاسی تأکید می‌کند. از این منظر، دولت‌ها نمی‌توانند صرفاً

با فشار، سرکوب و اقدامات امنیتی مطالبات خلق‌ها را برای همیشه کنار بگذارند. مسئله اصلی این است که حقوق و اراده سیاسی خلق‌ها به رسمیت شناخته شود و راهی دموکراتیک برای حل این مسائل گشوده شود. در شرق کوردستان، استراتژی پژاک نیز از نگاه این جریان روشن است: تا زمانی که خلق کورد نتواند آزادانه زندگی کند، هویت و اراده سیاسی خود را بیان کند

پژاک خود را صرفاً یک حزب نمی‌داند، بلکه خود را جنبشی در پیوند با خلق تعریف می‌کند. از این منظر، ساختن یک ایران جدید و دموکراتیک بدون به رسمیت شناختن هویت، حقوق و اراده سیاسی کوردها ممکن نیست

و حقوقش تضمین شود، مبارزه برای صیانت از جامعه ادامه خواهد داشت. پژاک از زمان تأسیس، خود را متعهد به دفاع از حقوق و موجودیت خلق کورد دانسته و بر همین اساس فعالیت کرده

است. در این چارچوب، مسئله برای ما صرفاً تغییر یک استراتژی نیست، بلکه چگونگی حفاظت از جامعه در برابر تهدیدها و حملات است. از نگاه پژاک، هر جامعه‌ای که در معرض حمله قرار می‌گیرد، حق دفاع از خود را دارد. با این حال، راه‌حل اساسی مسائل کوردها را باید در سیاست دموکراتیک و حقوقی جست‌وجو کرد، نه در تداوم جنگ تجربه تاریخی کوردها نشان داده است که جامعه کورد همواره توان مقاومت داشته، اما در عرصه سیاسی و حقوقی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو بوده است. امروز تأکید بر این است که این وضعیت تغییر کند و حقوق کوردها در عرصه سیاسی و حقوقی به رسمیت شناخته شود. هم‌زمان، از نگاه پژاک، جامعه باید ظرفیت‌های لازم برای صیانت از خود را نیز حفظ کند تا در برابر تهدیدها بی‌دفاع نماند. بنابراین، ما تأکید می‌کنیم که مسئله کورد باید از طریق راه‌حل سیاسی و دموکراتیک حل شود. اما در شرایطی که جامعه با حمله و تهدید مواجه باشد، پژاک برای خود حق دفاع از جامعه را قائل است. این دو مسئله از نگاه ما در تضاد با یکدیگر نیستند: هدف، حل سیاسی و

حقوقی مسئله است و دفاع از خود به شرایطی مربوط می‌شود که جامعه در معرض تهدید قرار دارد. پژاک خود را صرفاً یک حزب نمی‌داند، بلکه خود را جنبشی در پیوند با خلق تعریف می‌کند. از این منظر، ساختن یک ایران جدید و دموکراتیک بدون به رسمیت شناختن هویت، حقوق و اراده سیاسی کوردها ممکن نیست. آینده ایران، از نگاه این رویکرد، زمانی می‌تواند دموکراتیک باشد که همه خلق‌ها بتوانند با هویت و اراده خود در تعیین آینده مشارکت کنند. ما نیز مبارزه خود را بر همین اساس ادامه می‌دهیم

ALTERNATIVE
POLITICAL, IDEOLOGICAL & SOCIAL MAGAZINE



شهریور ۱۴۰۵
سال چهاردهم / دوره‌ی چهارم / شماره چهاردهم

آلترنیو